



زادروز شهلا ریاحی اولین کارگردان زن ایرانی

گروه ادب و هنر: فردا تولد شهلا ریاحی، اولین کارگردان زن سینمای ایران است. ۹۰ سال پیش دختری در تهران در خانواده وفادوست به دنیا می‌آید که پدرش او را قدرت‌الزمان صدا می‌کند. اما با ازدواج اسماعیل ریاحی نامش را تغییر می‌دهد و به شهلا ریاحی معروف می‌شود. او دوره سیکل را پشت سر می‌گذارد و در ۱۷ سالگی به درخواست همسرش اسماعیل ریاحی وارد صحنه تئاتر می‌شود و سینمای حرفه‌ای را سال ۱۳۳۰ با فیلم «خواب‌های طلایی» به کارگردانی معزالدیوان فکری تجربه کرد و اولین فیلمش به نام «مرجان» را در سال ۱۳۳۵ ساخت. او در بیش از ۶۰ فیلم و ۲۰ سریال و ۲۰ نمایش بازی کرده است. ریاحی دارای دو فرزند دختر و پسر است. او در حال حاضر در کنار سپرش روزگار می‌گذراند.

یادداشت

مورد عجیب آمنه بهرامی و فیلم «لاتوری»

نمایش دو فیلم «لاتوری» و «خشم و هیاهو» در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر یادآور دو پرونده جنجالی قتل و اسیدپاشی است که سال‌ها افکار عمومی را

در گیر خودشان کرده بودند و سرانجام فیلمسازان با تأخیر به این دو پرونده واکنش نشان دادند. هر دو فیلم هم مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. هر دو فیلمساز، فیلمنامه‌های‌شان را به‌گونه‌ای نوشتند که به‌طور مستقیم اشاره به آسیب‌دیدگان این پرونده‌ها نداشته باشد.

«خشم و هیاهو»، سوژه‌اش را از یک فوتبالیست به یک خواننده پاپ تغییر داد و این تنها تغییری بود که در این داستان انجام شد. «لاتوری» اما با الهام از پرونده مهم‌ترین قربانی اسیدپاشی در ایران، آن را در بستری دیگر تعریف کرد تا تنها یادآور آن موضوع نباشد و بتوان گفت که کپی نعل به نعل پرونده مشهور است. خانواده قربانیان پرونده اول که فیلم براساس زندگی آنها ساخته شده بود تا این لحظه واکنشی نشان نداده‌اند.

اما این روزها با اکران و فروش بالای «لاتوری» آمنه بهرامی از کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم به جرم عدم رعایت کپی‌رایت از کتاب خاطرات او در داسرای رسانه شکایت کرده است. گرچه در خارج از کشور رسم و معمول است که بنگاه‌های فیلمسازی، حق ساخت فیلم براساس زندگی افراد مشهور شده از هر بابت را می‌خرند، منتها در ایران به دلیل نبودن به قانون کپی‌رایت جهانی، قانون خاصی

برای رسیدگی به این نوع از پرونده‌ها وجود ندارد. آمنه بهرامی می‌گوید پیش از این رخشان بنی‌اعتماد به خانه او رفته و خواسته است تا این حق راییت را بگیرد، اما او اجازه نداده است. البته رخشان بنی‌اعتماد این موضوع را دیروز تکذیب کرد

و حرف‌های آمنه بهرامی را در حد یک سوء تفاهم دانست و تأکید کرد که هرگز به خانه آمنه بهرامی برای گرفتن حق ساخت فیلمی براساس پرونده او نرفته است. آمنه بهرامی مدعی است که در سال ۸۹ هنرالیوود قرار بود فیلمی براساس زندگی‌اش تولید کند و پیش‌شرط‌شان قصاص فرد اسیدپاش بوده که با بخشش او، موضوع منتفی شده است. اما شرکت فیلمسازی آلمانی با او مذاکره کرده و حتی پیش‌پرداختی حدود ۴۰ میلیون هم داده است تا او با فیلمساز و شرکت فیلمسازی دیگری موضوع پرونده اسیدپاشی‌اش را واگذار نکند. حالا بعد از اکران «لاتوری» او مدعی است که اکران این فیلم در برلین باعث شده شرکت فیلمسازی آلمانی از ساخت فیلم متصرف شود و او ۸۰ میلیون تومان ضرر کند و نتواند درمانش را ادامه بدهد. در واکنش به این سخنان، رضا درمیشیان هم یادداشتی در اختیار رسانه‌ها قرار داده و ضمن آمادگی‌اش در هر محکمه‌ای نوشته است: «من فیلم «لاتوری» را همچون دیگر فیلم‌های «بغض» و «عصبانی نیستم!» – براساس اعتقاد، تعهد اجتماعی و نگاهم ساختم‌ام و تهمت‌های اینچینی به من و فیلم‌هایم کمال بی‌انصافی است. ای کاش خانم آمنه بهرامی به جای شخصی کردن ماجرای فیلم «لاتوری»، به موجی که با کمک این فیلم برای حمایت از قربانیان اسیدپاشی و «نه به خشونت» ایجاد شده، می‌پیوست. به حرمت اعتقاد و نیت قلبی‌ای که برای ساخت این فیلم، در جهت کمک به قربانیان اسیدپاشی و ایجاد گفت‌وآنها اعتراضی به ناهنجاری اسیدپاشی در جامعه داشته و دارم و از همه مهم‌تر به دلیل احترام به خانم بهرامی که خودشان هم جزء قربانیان اسیدپاشی هستند، فعلا بیش از این نمی‌گویم و سکوت می‌کنم.»

نکته‌ای که درمیشیان بر آن تأکید دارد این است که در سال‌های اخیر پرونده‌های اسیدپاشی زیادی وجود داشته و او بنابر تعهد اجتماعی‌اش به سراغ چنین موضوعی رفته است. آمنه بهرامی که سال‌ها به یک فعال اجتماعی تبدیل شده است، حال با شکایتش پرونده‌ای دیگر را در جریان انداخته است. آیا او این بار می‌تواند به شفاف شدن موضوع کپی‌رایت در ایران کمک کند و قانونگذار را به فکر راه‌حل و راه چاره‌ای بیندازد؟ آمنه بهرامی بعد از آن‌که با بخشیدن اسیدپاش روی چهره‌اش به یکی از خبرسازترین زنان آسیب‌دیده ایرانی تبدیل شد، حالا شکایتی را تنظیم کرده است که چه حق با او باشد و چه نباشد، در وهله نخست، تأکید بر ضرورت پرکردن خلاهای قانونی در این باره را یادآوری می‌کند. به یاد دارم که سال‌ها پیش غلامحسین دهقان مدعی شد ابراهیم ابراهیمیان، فیلم «آگهی یک تسلیت» را براساس یکی از داستان‌های او نوشته است. ادعای او تنها در حد یک ادعاست و هنوز ثابت نشده است که جرمی اتفاق افتاده باشد. اما آیا برای رسیدگی به این مساله حقوقی، قانون همه ابعاد را به‌طور شفاف مشخص کرده است؟ آنچه در این مساله قابل تامل است، طرح این پرسش است که تا چه اندازه قانون مالکیت معنوی در ایران می‌تواند ابعاد پرونده‌های مشابه آمنه بهرامی را به خوبی بررسی کند؟

کافه موسیقی

آواز خوانی علی جهانداد در ارسباران

گروه ادب و هنر| علی جهانداد خواننده و مدرس آواز در دومین نشست «آیین آواز» که در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود، آوازخوانی می‌کند. او پیش از اجرای قطعات به همراه کارشناس مجری برنامه با موضوع «ادوات تحریر در آواز ایرانی» به بحث و بررسی هنر آواز خواهند پرداخت. جهانداد نزد محمدرضا شجریان آواز آموخته است و آلبوم‌های زیادی را ازجمله «صبح مشتاقان» و «دختر گل‌فروش» و… را در کارنامه هنری خود دارد. معرفی هنرجویان برتر مدرسان و استادان آواز یکی دیگر از اهداف «آیین آواز» است که این هفته به جهانداد که در سال‌های اخیر کمتر روی صحنه بود و بیشتر به آموزش می‌پرداخت، اختصاص دارد. در دومین نشست آیین آواز که از ساعت ۱۷ سه‌شنبه ۲۳ شهریور آغاز می‌شود، تعدادی از شاگردان برگزیده علی جهانداد به خوانندگی می‌پردازند.

#



چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۵ ■ ۵ دیچه ۱۴۳۷ ■ ۷ سپتامبر ۲۰۱۶ ■ شماره ۲۰۲۷

نقد و نشانه‌شناسی فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی

فرهادی به‌مثابه اسپینوزای ایرانی



نمای از فیلم «فروشنده»

و خانواده‌اش می‌کند. رعنا و عماد نماد همان زوج هستند که دستخوش تجاوز فردی می‌شوند که شاید باید آن را نشانه «شهوت مادیات» در عصر حاضر بدانیم.

فلسفه اخلاق اسپینوزایی

فلسفه اخلاقی‌ای که برای فرهادی همیشه دغدغه اصلی است و آن را بیس زوایای دوربین خود در میان راه‌پله‌های ماریچ به سبک و سیاق هیچکاک‌ی و شهری با خانه‌های ترک خورده و در حال فروپاشی به نمایش می‌گذارد. باروخ اسپینوزا، فیلسوف بزرگ (۱۶۷۷-۱۶۳۲) در کتاب سترگ اخلاق خود می‌گوید: «اخلاق با قید قانونی و اختیار دولتی به وجود نمی‌آید؛ در این دنیا هیچ کس را نمی‌توان با فشار و زور قانون به رعایت اخلاق واداشت و در میان مصلحت‌ها و از همه مهم‌تر استفاده آزاد از تحصیلات و از همه مهم‌تر استفاده آزاد

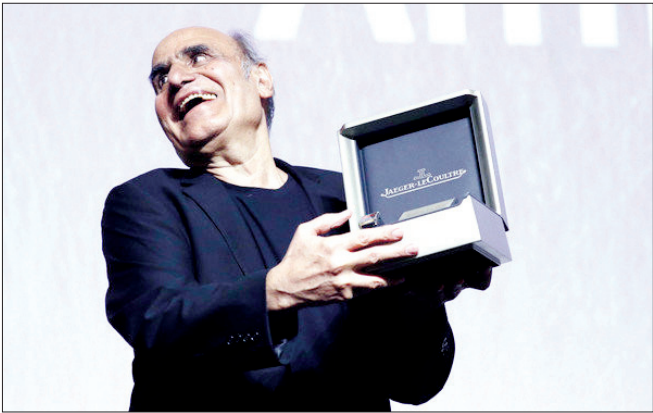
برای زندگی‌اند و در عین حال مشغول اجرای نمایشی به نام «مرگ فروشنده» که به قلم آرتور میلر است و در همین‌جا «بنیامینت‌های» کلیدی فیلم رقم می‌خورد.

آن دو وارد آپارتمانی ترک خورده، نیمه‌مخروبه و کوچک و فسقلی در میانه شهر درندشت تهران می‌شوند و آنجا را از بازیگر پولسدار دیگر گروه (بابک کریمی) اجاره می‌کنند. در همین بین عماد یک دیالوگ کلیدی از نمایش مرگ فروشنده را می‌گوید: «با این شهر دارند چه می‌کنند چارلی؟» بحران هویت و فروپاشی انسانیت مضمون اصلی اثر آرتور میلر است که انسان گم‌گشته نسل سرمایه‌داری آمریکایی را به تصویر می‌کشد که با تلاشی بسیار برای کسب پول باز هم هشتش گرو نم‌ش است و در همین بین چندر غاز درآمد خود را صرف خیانت به همسر

شهر دارند چه می‌کنند چارلی؟» بحران هویت و فروپاشی انسانیت مضمون اصلی اثر آرتور میلر است که انسان گم‌گشته نسل سرمایه‌داری آمریکایی را به تصویر می‌کشد که با تلاشی بسیار برای کسب پول باز هم هشتش گرو نم‌ش است و در همین بین چندر غاز درآمد خود را صرف خیانت به همسر

تقدیر ویژه جشنواره ونیز از امیر نادری

یتیمی که کوه را در سینما جابه‌جا کرد



امیر نادری، کارگردان سینما

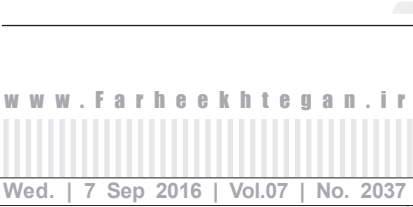
نفع گرفته به هیچ‌وجه راضی نمی‌شود اقلیم مورد علاقه خود را ترک کند. به نظر می‌رسد این فیلم در مورد زندگی خود نادری و مهاجرت و دغدغه‌های شخصی‌اش باشد که حالا روی پرده نقره‌ای برای مخاطبان جهان نقش بسته است. در نظریه و فلسفه نیز اصحاب مکتب «پاسا‌ستعماری» و «شرق‌شناسی» به شدت به چنین موضوعاتی توجه دارند. «گم‌گشتگی انسان مدرن»، «مهاجرت»، «پوچی زندگی در جهان جنگ زده»، «جهان سوم در برابر جهان توسعه‌یافته» و «زندگی نخبگان مهاجر در دل کشورهای میزبان» که تمام این مسائل به نوعی از یک «دیگری» یا یک «غریبه» در جهانی متفاوت پرده برمی‌دارند.

کارگردان «خلا‌حافظ رقیق» در همین رابطه توضیح می‌دهد: «من به عنوان یک پسر فقیر و یتیم در خیابان بزرگ شدم، همیشه فکر می‌کردم می‌توانم کاری فوق‌العاده انجام بدهم. دوست دارم شخصیت‌های فیلم‌هایم را در موقعیت‌های دشوار قرار بدهم تا نشان بدهم چه کارهای شگفتی می‌توانند انجام بدهند و چه توانایی‌هایی دارند. من این فلسفه را برای بازیگران خود توضیح داده‌ام. این فیلم در ارتفاع ۲۰۰۰ متری فیلمبرداری شده که شرایط دشواری بوده است.»

فقدان کیارستمی مرا عصبانی می‌کند

صحت‌ها و درد‌دل‌های نادری کارگردان «ساز ذهنی» (۱۳۵۲) درباره عباس کیارستمی اشک بسیاری را در آورد. او گفت: «کیارستمی برای من فوت نشده است؛ بلکه او برای من خیلی هم زنده است. اما فقدان او مرا عصبانی می‌کند. رابطه ما مثل دو برادر بود و حالا مثل اینکه این حلقه برادری گسسته شده

طلا» را با سرمایه‌گذاری مهران برومند برای این شبکه ساخت که در زمان پخش با استقبال و فروش خوبی هم مواجه شدند. بعد از فروش خوبی که این دو سریال داشتند سرمایه‌گذار مجاب شده است در ساخت «ماه تی‌تی» که میرباقری آن را دهه هفتاد نوشته و آماده کرده بود، همکاری کند. درواغ میرباقری دستمزدی دریافت نمی‌کند و در سودآوری سریال شریک نیست، در همین خاطر این‌بار میرباقری با وسواس بیشتری بازیگران



Wed. | 7 Sep 2016 | Vol.07 | No. 2037

چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۵ ■ ۵ دیچه ۱۴۳۷ ■ ۷ سپتامبر ۲۰۱۶ ■ شماره ۲۰۲۷

سینما

سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد احتمال اکران رستاخیز در محرم



گروه ادب و هنر | حاشیه‌های این روزهای دنیای هنر، سی و دومین نشست رسانه‌ای سخنگوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را دیروز سه شنبه ۱۶ مهر با پرسش‌های مختلفی از سوی اهالی رسانه مواجه کرد. در این نشست حسین نوش‌آبادی به حاشیه‌های چند روز اخیر فیلم «رستاخیز» اشاره کرد و گفت: «ما باز هم تأکید می‌کنیم فیلم «رستاخیز» جزء فیلم‌های فاخر سینمای دینی ما محسوب می‌شود که نباید قابلیت‌های آن را نادیده گرفت. البته در حوزه اکران این فیلم سینمایی که طبق برنامه‌ریزی‌ها تمایل داشتیم در ماه محرم صورت گیرد، مطابق با فتاوی‌ای برخی از مراجع عظام که حرمت شرعی دارند، به تولیدکنندگان فیلم اعلام کردیم که اگر سکانس‌های مربوط به تصویر حضرت عباس (ع) اصلاح شود، اکران این فیلم هیچ اشکالی ندارد. ما هیچ مخالفت اصولی با فیلم «رستاخیز» نداشته‌ایم و نداریم، فقط از عوامل خواسته‌ایم با اضافه کردن هاله‌ای از نور در سکانس‌های مربوط به حضرت عباس (ع) اصلاحیه‌هایی را انجام دهند که متأسفانه این اصلاحیه‌ها تاکنون انجام نپذیرفته است. متعاقب این اتفاقات، شکایتی از سوی تهیه‌کننده و عوامل فیلم سینمایی «رستاخیز» ارجاع داده شده که در این شکایت بحث خسارت‌های میلیاردری فیلم در دیوان عدالت اداری مطرح شده است، در حالی که باید گفت این فیلم از نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به هیچ عنوان ممنوع‌الاکران نیست که بخواهیم خسارتی را برای آن پرداخت کنیم. ما فقط به این فیلم برای اصلاح فرصتی دادیم، بنابراین خسارت زمانی مطرح می‌شود که ما اکران این فیلم را ممنوع کرده باشیم. حتی طی ماه‌های اخیر شما شاهد هستید که در تمام اظهارات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صحبت ادامه صحبت‌هایش در شب دریافت جایزه ویژه دستاورده سینمای ونیز درباره مهاجرت خویش لب به سخن کشود و گفت: «من در ایران زندگی می‌کردم و در اوج کارم هم بودم و اما کاری به سیاست نداشتم و عاشق کشورم بودم. اما در عین حال دوست داشتم در نقاط دیگر جهان هم فیلم بسازم و در نتیجه این مسیر را انتخاب کردم. مسیری که هزینه‌های منحصر به فرد خودش را داشت. در نمایش فیلم «کوه» یک صندلی خالی برای کیارستمی وجود دارد. دوست دارم احساس کنم که او اینجا در کنار ماست. جالب است که سخنان نادری درباره کارگردانی است که خود اولین بار جایزه ویژه سینمایی ونیز را ۱۰ سال پیش در دستان خود گرفت. جشنواره ونیز در دوره هفتاد و سوم از ۱۰ شهریور شروع شده است و پس از ۱۰ روز و در تاریخ ۲۰ شهریور به کار خود پایان می‌دهد و کارگردانان بزرگی مانند مل گیسون، دنیس ویله‌نوا و ترنس مالیک نیز در بخش‌های مختلف آن حاضر هستند و از سینمای ایران دو فیلم «مالاریا» پرویز شهبازی و «طبل» کیوان کریمی نیز در بخش‌های مختلف حاضر هستند.

جشنواره

است. من عصبانی هستم، زیرا دیگر شریک و همراه و منسوبم را که من و فیلم‌هایم را حمایت می‌کرد، نمی‌بینم. ما با هم خیلی تفاوت داشتیم. من یک یتیم بودم. اما او خیلی متمول بود و از یک خانواده بزرگ می‌آمد. کیارستمی بارها از من دعوت که به ایران برگردم.»

نادری، کاری به کار سیاست ندارم

امیر نادری، کارگردان «تنگسیر» (۱۳۵۲) و عکاس «رضا موتوری» (۱۳۴۹) در ادامه صحبت‌هایش در شب دریافت جایزه ویژه دستاورده سینمای ونیز درباره مهاجرت خویش لب به سخن کشود و گفت: «من در ایران زندگی می‌کردم و در اوج کارم هم بودم و اما کاری به سیاست نداشتم و عاشق کشورم بودم. اما در عین حال دوست داشتم در نقاط دیگر جهان هم فیلم بسازم و در نتیجه این مسیر را انتخاب کردم. مسیری که هزینه‌های منحصر به فرد خودش را داشت. در نمایش فیلم «کوه» یک صندلی خالی برای کیارستمی وجود دارد. دوست دارم احساس کنم که او اینجا در کنار ماست. جالب است که سخنان نادری درباره کارگردانی است که خود اولین بار جایزه ویژه سینمایی ونیز را ۱۰ سال پیش در دستان خود گرفت. جشنواره ونیز در دوره هفتاد و سوم از ۱۰ شهریور شروع شده است و پس از ۱۰ روز و در تاریخ ۲۰ شهریور به کار خود پایان می‌دهد و کارگردانان بزرگی مانند مل گیسون، دنیس ویله‌نوا و ترنس مالیک نیز در بخش‌های مختلف آن حاضر هستند و از سینمای ایران دو فیلم «مالاریا» پرویز شهبازی و «طبل» کیوان کریمی نیز در بخش‌های مختلف حاضر هستند.

خبر چین



لیلا حاتمی

هادی کاظمی، امیر جدیدی، مهران احمدی و احمد مهران‌فر در آن بازی می‌کنند.

فرهنگستان